

ارزیابی سیاست‌های کلان اقتصادی در چارچوب متدولوژی توحیدی (مطالعه موردی پدیده مالیات تورمی ناشی از سیاست‌های انبساطی پولی)

امیرحسین مزینی^۱
افسانه کاظمی^۲

چکیده

سیاست‌های کلان اقتصادی از مسیرهای مختلفی می‌توانند بر توزیع درآمد تأثیرگذار باشند. در این راستا مشاهده می‌شود گاهی دولت با به کارگیری سیاست‌های ناکارا به صورت غیرمستقیم باعث دامن‌زدن به نابرابری‌ها می‌شود که از آن جمله می‌توان به اعمال سیاست‌های پولی انبساطی و به تبع آن مالیات تورمی اشاره نمود. مالیات تورمی از آنجا ناشی می‌شود که دولت با به کارگیری افراطی سیاست‌های پولی و عدم نظارت بر آن، از مجرای افزایش تورم، درآمد واقعی، قدرت خرید و متعاقب آن توزیع درآمد را متأثر می‌سازد.

در مقاله حاضر ضمن نیم‌نگاهی به مقوله توزیع درآمد در اقتصاد متعارف و نیز با رویکرد توحیدی، به مبانی نظری مالیات تورمی پرداخته شده و در قالب برآورد مدل انتخابی اثر مالیات تورمی بر توزیع درآمد در کشور، طی دوره ۸۷-۱۳۵۸ بررسی گردیده است.

نتایج حکایت از تأثیر منفی مالیات تورمی بر توزیع درآمد دارد. بدین صورت که دولت از مجرای افزایش شدید حجم پول باعث کاهش قدرت خرید شهروندان شده است و این امر با مبانی روش‌شناسی توحیدی در اقتصاد منافات دارد. همچنین نه تنها مبانی اسلامی ناظر بر رفتارهای خرد عاملین اقتصادی می‌باشد، بلکه در سطح کلان نیز سیاست‌ها و عملکردهای دولت می‌توانند مورد ارزیابی اصول اسلامی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: توزیع درآمد، مالیات، تورم، مالیات تورمی، نظام اقتصاد اسلامی.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس
۲. کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

اقتصاددانان از نظر اهداف سیاست‌های کلان اقتصادی، بر مواردی همچون اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم)، توزیع عادلانه درآمد و رشد مداوم اقتصادی تاکید دارند. توزیع عادلانه درآمد از جمله مسائلی است که از ابتدای پیدایش علم اقتصاد همواره مدنظر اغلب اقتصاددانان بوده است. متون اقتصادی عامل ایجاد نابرابری‌های درآمدی را تفاوت‌های ذاتی انسان‌ها و عوامل غیرذاتی معرفی نموده‌اند. از جمله عوامل غیرذاتی می‌توان به عوامل ساختاری مانند تورم اشاره کرد که در نتیجه سیاست‌های نامتناسب دولت باعث دامن‌زدن به اختلاف دهک‌های پایین و بالای درآمدی می‌شود.

سیاست‌های پولی و اعتباری نسنجیده، همراه با نحوه اجرای آن شامل عدم نظارت، بی‌توجهی به آن و خلق دارایی‌های کاغذی در حجم نجومی بدون مشخص بودن مبانی ارزش آنها نظام اقتصادی را با بحران مواجه می‌کند. شرایط بحران اقتصادی خودبه‌خود تعارض‌های خاص خود را ایجاد می‌نماید. از جمله تعارض‌ها می‌توان به افزایش شدید نقدینگی، ایجاد تورم، فروش شتاب‌زده دارایی‌ها، زیان به مردم عادی اشاره نمود. تعارض زیان به مردم عادی از آنجا ناشی می‌شود که با ایجاد بحران‌های اقتصادی، از یک سو ارزش دارایی‌ها، پس‌انداز بازنشستگی و سایر پس‌اندازهای آنها باخطر روبه‌رو می‌شود.

از سوی دیگر مقابله با آثار بحران نیز هزینه‌هایی را ایجاد می‌کند که سرانجام می‌باید به وسیله عموم مردم به صورت مالیات‌های جدید پرداخت شود. به این صورت که دولت برای تأمین هزینه‌ها مجدداً اقدام به سیاست پولی انبساطی می‌نماید که عارضه‌های مهم همچون تورم را به دنبال خواهد داشت. از آنجا که تورم باعث کاهش قدرت خرید مردم می‌شود، به گونه‌ای شبیه به یک مالیات (عمومی) عمل می‌نماید که از آن به مالیات تورمی تعبیر می‌شود (طیبیان و کارآفرین، ۱۳۸۸).

درآمدهای حاصل از مالیات تورمی با ایجاد انحرافات مالیاتی موجب توزیع نامناسب درآمد می‌شود، در حالی که در صدر اسلام، مالیات‌های مورد اجرا با اهداف نظام اقتصادی آن منطبق و با سیاست‌های اقتصادی هماهنگ، و دارای ویژگی‌های کارایی اقتصادی و عدالت توزیعی بودند (صدر، ۱۳۸۱).

با قیاس نظام مالیاتی صدر اسلام و روش مالیات‌گیری کنونی در جهت دستیابی به توزیع مناسب درآمد به دو نتیجه کاملاً متناقض خواهیم رسید. لذا شناخت عوامل بحران‌زای روش مالیات‌گیری کنونی در رسیدن به یکی از اهدافش که توزیع مناسب درآمد می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد. که در این مقاله یکی از این عوامل یعنی

مالیات تورمی و تأثیر آن بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این راستا با در نظر گرفتن دوره زمانی ۸۷ - ۱۳۵۸ به تخمین مدل رگرسیونی مربوطه پرداخته و به ارتباط منفی بین درآمد مالیات تورمی و توزیع مناسب درآمد خواهیم رسید.

توزیع درآمد

با توجه به مباحث نظری اقتصادی می‌توان به دو علت عمده در شکل‌دهی نابرابری‌های درآمدی اشاره نمود. نخستین علت، تفاوت‌های طبیعی و ذاتی انسان‌ها است. علت دوم عوامل غیرذاتی است. این عوامل که اغلب به دست بشر ایجاد می‌شوند، خود به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته نخست، عوامل ناشی از بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌های اولیه، دسته دوم عوامل ناشی از ویژگی‌های کار و شغل مانند مفاد قراردادهای، دسته سوم، عوامل ساختاری مانند ربا، تورم، بی‌عدالتی در نظام دستمزدها و بی‌برنامگی در جهت‌گیری سیاست‌های هزینه‌ای دولت (ندری و قلیچ، ۱۳۸۹).

صرف نظر از علل موجه نابرابری‌های درآمدی، بحث توزیع بهینه درآمد، در دیدگاه‌های اکثر متفکرین اقتصادی قابل مشاهده می‌باشد؛ کاتوزیان به نقش مالیات‌ها در بازتوزیع یا توزیع مجدد درآمدها اشاره می‌کند. وی همچنین حضور دولت در بررسی رابطه میان سیاست‌های پولی و مالی با توزیع درآمد را بسیار مورد توجه قرار می‌دهد. السینا و رودریک^۱ (۱۹۹۴) معتقدند که افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت، سبب می‌شود که نرخ مالیات بیشتر از نرخ بهینه‌اش تعیین گردد.

تانین^۲ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای اجرای سیاست‌های پولی و مالی نسنجیده توسط دولت را عاملی جهت افزایش تقاضا برای توزیع مجدد درآمد معرفی می‌کند که در نتیجه آن دولت برای تأمین مالی سیاست اجرایی خود مجبور به افزایش مالیات‌های اختلال‌زا می‌گردد (سامتی و همکاران، ۱۳۸۴).

فرهاد مهران (۱۹۷۵) رابطه میان مالیات‌ها و توزیع درآمد در ایران را در سال ۱۳۵۱ با داده‌های هزینه خانوار و به وسیله سهم دهک‌ها اندازه‌گیری نموده است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که بار مالیاتی دهک اول بیشتر از دهک دوم است (جرجرزاده و اقبالی، ۱۳۸۴).

1. Alesina and Rodrik

2. Tanninen

از نظر شهید صدر، نظام توزیع ثروت در جامعه اسلامی بهره‌مند از عناصری است که بتواند عدالت اسلامی (متشکل از دو اصل تکافل عام و توازن اجتماعی) را محقق ساخته و با ارزش‌هایی که بر آن استوار است، انسجام داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۸).

نابرابری درآمدی می‌تواند علل متفاوتی چه در حوزه اقتصاد و چه در سایر حوزه‌ها داشته باشد، اما راه‌های مقابله با آن تقریباً تعریف شده و مشخص می‌باشد که از مهمترین آنها اخذ مالیات می‌باشد. نظام مالیاتی یکی از مهمترین زیربخش‌های هر اقتصادی می‌باشد که بسته به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد می‌تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد. از این حیث یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های اقتصاد می‌باشد که تحقیقات فوق نیز مویّد آن می‌باشند که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد.

عمکرد مالیات اسلامی در توزیع درآمد

مهمترین وسیله توزیع درآمدها ابزار مالیاتی است. سیاست‌های مالیاتی مناسب می‌توانند به توزیع مناسب درآمد بین اقشار جامعه منجر شوند. دولت‌ها به کمک مالیات‌ها می‌توانند قسمتی از درآمد افراد را از مالکیت آنها خارج نموده و سپس از طرق مختلف به تامین نیازهای عمومی جامعه بخصوص برای کمک به افراد کم‌درآمد بپردازند و یا مستقیماً درآمدهای مذکور را به گروه فقیر منتقل نمایند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که از مهمترین اثرات عمده مالیات‌ها، تغییر در توزیع درآمد جامعه باشد. در واقع، اثر مالیات در توزیع درآمد عمدتاً از طریق انتقال درآمد از بازار مورد نظر به دولت و از دولت به کل جامعه صورت می‌گیرد. به طور کلی، مقدار مالیاتی که از طریق بازار به دولت منتقل می‌شود، به کشش منحنی‌های تقاضا و عرضه بستگی دارد. به این ترتیب دولت‌ها توانایی آن را پیدا می‌کنند که از طریق ابزار مالیاتی در اقتصاد دخالت نموده و علاوه بر تأمین هزینه‌های خود، توزیع درآمد را نیز تعدیل نمایند. بر این اساس در برنامه چهارم توسعه یکی از عوامل عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، اعمال سیاست‌های مالیاتی با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها عنوان شده است.

در صدر اسلام، مالیات‌های مورد اجرا با اهداف نظام اقتصادی آن منطبق و با سیاست‌های اقتصادی هماهنگ، و دارای ویژگی‌های کارآیی اقتصادی و عدالت توزیعی بودند (صدر، ۱۳۸۱). شهید صدر در توضیح نقش مالیات‌ها در پدید ساختن توازن و کسب عدالت توزیعی به روایت‌هایی استناد کرده‌اند که حد پرداخت زکات را رفع فقر و رسیدن فقیران به حد زندگانی همگانی بیان می‌کند و در تعریف فقیر می‌نویسد که فقیر کسی است که زندگی‌اش با سطح زندگی ثروتمندان، اختلاف فراوانی داشته و در

دو قطب مخالف یکدیگر قرار دارند و بر اساس نظام مالیاتی کارا می‌توان فاصله این دو قطب را به حداقل مقدار ممکن رساند.

همچنین در انطباق مالیات‌های مورد اجرا با اهداف نظام اقتصادی و رسیدن به کارایی اقتصادی می‌توان به فرمایش امیرمومنان حضرت علی(ع) به مالک اشتر مبنی بر تقدم آبادی زمین بر جمع‌آوری خراج اشاره نمود که فرمودند: باید کوشش تو در آبادی زمین بیش از کوشش در گردآوری خراج باشد، زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید و آنکس که بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی بطلبد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت (حسینی، ۱۳۸۸).

در صدر اسلام، مالیات‌های مورد اجرا با اهداف نظام اقتصادی آن منطبق و با سیاست‌های اقتصادی هماهنگ، و دارای ویژگی‌های کارایی اقتصادی و عدالت توزیعی بودند. امروز نیز نظام مالیاتی ما باید بخشی از نظام اقتصاد اسلامی باشد و برای تحقق اهداف آن به کار گرفته شود (صدر، ۱۳۸۱).

با توجه به اهداف بسیار متنوع اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب‌های دیگر، دولت برای تأمین مخارج مالی خود، به درآمدهای گوناگونی نیاز دارد. مالیات به عنوان یکی از مهمترین راه‌های درآمد دولت، در رسیدن به این اهداف اهمیت خاصی دارد:

الف) تأمین مالی مخارج معین: نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی، از این نظر شبیه به عوارض عمل می‌کند. با این تفاوت که مالیات، به طور کلی به خزانه داری دولت واریز می‌شود و دولت مخارج مختلف خود را با آن تأمین می‌کند، ولی عوارض گردآوری شده، تنها باید در موارد و مکان‌های معین مصرف شود.

ب) توزیع درآمد و عدالت اجتماعی: هر شهروندی در جامعه اسلامی به نسبت بهره‌ای که از امکانات جامعه و کشوری می‌برد، باید در تأمین مخارج و هزینه‌ها سهمی باشد.

ج) اجرای سیاست‌های اقتصادی: به هر میزان که بیشتر مالیات گرفته شود، هزینه مالیات‌دهنده، افزایش و در نتیجه، سود وی کاهش می‌یابد. دولت با افزایش مالیات در برخی بخش‌ها می‌تواند مانع گسترش غیر ضروری آنها شود یا با کاهش مالیات و در نظر گرفتن انواع معافیت‌ها و تخفیف‌ها، بخش‌های دیگر را رونق بخشد.

با آنکه مالیات از مهم‌ترین درآمدهای هر دولتی است اما در نظام اسلامی دریافت مالیات نباید به گونه‌ای باشد که سختی را به زندگی مردم وارد سازد. حضرت علی(ع) در نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: "اگر مالیات سنگینشان بود به

آنان تخفیف بده تا بعدها درآمدشان فراوان شود و زیادتیر به تو پردازند." در حقیقت، هدف از وضع مالیات بر اموال در قالب خمس، زکات و مالیات‌های گوناگون حکومتی، رفع نیازهای اقتصادی فردی و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، می‌باشد. به طوری که از ابتدای تشریح و تشکیل نظام اسلامی در زمان پیامبر اکرم (ص) برخی از مالیات‌ها مانند زکات و خمس به صورت فریضه تشریح و جزء عبادات قلمداد شدند و برخی دیگر مانند خراج و به شکل ابزاری مالی در اختیار بیت‌المال قرار گرفتند تا در موارد گوناگون، جهت اعمال سیاست‌های مالی موردنظر به اجرا درآیند؛ بنابراین در سنت اسلامی، مالیات، پدیده‌ای سابقه‌دار است؛ به همین جهت، فقیهان درباره وجوب پرداخت خمس و زکات و شکل اخذ خراج و جزیه، بحث‌های مفصل و آرای بسیاری را ارائه داده‌اند، و در مجموع در وجوب پرداخت خمس و زکات اتفاق نظر دارند. همچنین مالیات‌های موقتی را که دولت‌های اسلامی بنا به ضرورت و بسته به موقعیت‌های اقتصادی وضع می‌کنند، مورد اشکال و ایراد قرار نداده‌اند. همین امر، یعنی حلیت یا اباحه مالیات، باعث شده تا حساسیتی که برای انجام امور بانکی و خدمات مالی به علت تحریم ربا پس از انقلاب پیش آمد، در مالیات رخ ندهد و هیچ نوع مالیاتی قطع نظر از مبلغ، مورد تعلق، و شکل آن، هرگز مورد اشکال قرار نگیرد و تمام مالیات‌هایی که پیش از انقلاب گرفته می‌شد، پس از انقلاب نیز استمرار یابد، و افزون بر اینها، مالیات‌ها و عوارض و شبه مالیات‌های جدیدی نیز وضع و اخذ شود. نظام مالیات‌های اسلامی، همانند دوران حکومت نبوی و علوی، باید بخشی از نظام اقتصادی اسلام بوده و برای اجرای سیاست‌های مالی و تحقق عدالت اجتماعی تنظیم شده باشد. این ویژگی در تمام مالیات‌های صدر اسلام به‌طور کامل متبلور و مشخص است. با این وصف «مولفه‌های اصلی نظام مالیاتی اسلامی» غیر از مطابقت آن با موازین، پیروی از الگوی اقتصاد اسلامی است.

مالیات‌ها در اسلام ویژگی‌های متعددی دارند که در اینجا به چهار مورد می‌پردازیم:

الف) عبادی بودن: مالیات‌های ثابت (منصوص)، زکات و خمس، از جمله واجبات مالی عبادی هستند و باید با قصد قربت انجام شوند. بنابراین، مؤدیان با پرداخت این نوع مالیات‌ها، به تکلیف الهی خود عمل می‌کنند. همچنین مولفه عبادی بودن به‌واسطه داشتن اثر تربیتی، موجب بالا رفتن فرهنگ مالیاتی خواهد شد در حالی که در مکاتب دیگر این جنبه از مالیات در نظر گرفته نمی‌شود.

ب) معین بودن موارد مصرف هر مالیات: هر یک از مالیات‌ها، مصرف معینی دارد. برای مثال، پرداخت کنندگان خمس و زکات می‌دانند مال خود را با چه هدفی و برای انجام چه مقاصدی، می‌پردازند.

ج) مردمی و اخلاقی بودن: برخی مالیات‌های اسلامی مانند زکات فطره را خود افراد در موارد تعیین شده هزینه می‌کنند. این ویژگی سبب آشنایی بیشتر پرداخت کنندگان مالیات با مستمندان جامعه و موجب افزایش روح برادری نزد آنان می‌شود.

د) داوطلبانه بودن مالیات‌ها: از نظر اسلام، پرداخت مالیات از جانب افراد باید به صورت داوطلبانه صورت گیرد؛ همان‌طور که مسلمانان در طول تاریخ اسلام، انفاق‌های واجب مانند زکات را با کمال اشتیاق می‌پرداخته‌اند.

ه) عدم مانعیت در تولید: از جمله مالیات‌های اسلامی می‌توان به خمس اشاره کرد که به واسطه دارا بودن نرخ نهایی اندک و پایین و در نتیجه، پایین بودن بار مالیاتی، انگیزه‌های کار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را کاهش نمی‌دهد و حتی در خراج که برخی آن را مالیات ارضی دانسته‌اند و مقدار آن به صلاحدید حکومت است، امیر مؤمنان علی(ع) به مالک اشتر سفارش می‌کند که توجه او به عمران و آبادی، بیش از توجه‌اش به درآمد خراج باشد؛ یعنی میزان خراج نباید طوری بسته شود که مانع تولید باشد. لذا دین مقدس اسلام با آیات و روایات توانسته است به تربیت اخلاقی مردم بپردازد و بیشترین اثر را در رفتارهای مسلمانان بر جای‌گذارد (حمزه‌پور و همکاران، ۱۳۸۱).

تاکنون در ارتباط با ماهیت و کارکرد مالیات‌ها به اجمال نکاتی مطرح شد و تلاش گردید ویژگی‌های یک نظام مالیاتی کارآمد از منظر اسلام مورد اشاره قرار گیرد. اجمالاً می‌توان اینگونه برداشت نمود که از منظر مبانی نظری اقتصادی و نیز اصول اسلامی هر سیاستی که باعث کاهش قدرت خرید بخشی از جامعه شود و در مقابل با هدف توزیع بهینه درآمد به بخشی دیگر اختصاص یابد، مورد تایید می‌باشد. این قانونمندی می‌تواند در سایر سیاست‌های دولت نیز به نوعی برقرار باشد؛ یعنی هر سیاستی که در راستای توزیع بهینه درآمد و ثروت باعث توزیع مجدد قدرت خرید در میان شهروندان شود، ضمن اینکه در قالب مبانی نظری اقتصادی قابل دفاع بوده، ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی را نیز داشته باشد. اما یکی از پدیده‌هایی که ریشه در نابسامانی سیاست‌های کلان دولت (بویژه در حوزه پولی و مالی) دارد مالیات تورمی می‌باشد که ضمن تغییر در عوامل ساختاری از طریق افزایش تورم، منجر به افزایش نابرابری در نظام توزیعی درآمد نیز می‌شود.

به این صورت که دولت برای تأمین مخارج مالی خود، اقدام به به کارگیری سیاست‌های پولی انبساطی می‌نماید و با عدم نظارت بر آن، سبب رشد پایه پولی می‌شود. با ورود این پول به جریان اقتصادی، در حالی که رشد واقعی اقتصاد از رشد پولی کمتر باشد، منجر به ایجاد تورم می‌گردد. این فشارهای تورمی با کاهش ارزش و قدرت خرید پول، موجب می‌شود که مردم به منظور حفظ قدرت خرید پول خود، تقاضای اسمی برای مانده پول نزد خود را افزایش دهند تا مانده حقیقی پول آنها به منظور خرید کالاها و خدمات، ثابت باقی بماند. در حقیقت، این تورم مانند یک نوع مالیات عمل می‌کند، زیرا مردم را وادار می‌کند که سهم بیشتری از درآمد خود را به شکل پول نزد خود نگهداری کنند. اصطلاحاً این نوع تحمیل هزینه به مردم را مالیات تورمی می‌گویند (دل‌انگیزان و همکاران، ۱۳۹۰) که از آن با عنوان مالیات خاموش یا مالیات پنهان نیز یاد می‌شود. این نوع مالیات، ضمن عدم تطابق با مولفه‌های اصلی نظام مالیاتی اسلامی (عبادی بودن، معین بودن موارد مصرف، مردمی و اخلاقی بودن، داوطلبانه بودن مالیات‌ها و عدم مانعیت در تولید) باعث دامن‌زدن به نابرابری‌های درآمدی نیز می‌شود که در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

ماهیت مالیات تورمی و تبعات آن در اقتصاد

مالیات تورمی را اولین بار فریدمن در سال ۱۹۵۳ و بعد از آن کاگان و بایلی (۱۹۵۶)، سپس جاکوب (۱۹۹۳) و استرلی^۱ (۱۹۹۵) مطرح کرده‌اند، با این مفهوم که دولت برای تأمین کسری بودجه خود متوسل به استقراض از بانک مرکزی می‌شود تا مقداری از منابع در اختیار دولت قرار بگیرد، که به اصطلاح حق‌الضرب نامیده می‌شود. این در واقع، توانایی دولت را در افزایش درآمدهایش از طریق حق قانونی و انحصاری خود برای انتشار پول نشان می‌دهد. افزایش رشد پول بدون ایجاد رشد واقعی تولید ضمن گسترش نقدینگی، سبب ایجاد تورم شده و افزایش تورم نگهداری پول را پرهزینه می‌کند. در این صورت مردم مجبورند برای کاهش قدرت خرید پول بر ذخیره پول خود بیفزایند و این مانند یک مالیات بر مانده واقعی پول عمل می‌کند که در اصطلاح به آن، درآمد مالیات تورمی می‌گویند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۴).

دولت می‌تواند درآمدهای خود را از طریق مالیات‌های مستقیم افزایش دهد، ولی این سیاست به سادگی قابل پذیرش عمومی نیست و دارای واکنش‌ها و مقاومت‌های اجتماعی است. همچنین، دولت می‌تواند از مالیات‌های غیرمستقیم استفاده کند؛ ولی

1. Freedman , Cagan & Bayeli , Jakob , Easterly

مالیات‌های غیرمستقیم جامعیت ندارند و نمی‌توانند کاملاً فراگیر باشند. نوعی مالیات که فراگیر و نامرئی است و دارای واکنش‌های اجتماعی نیست، استفاده از سیاست درآمد مالیات تورمی است و این در واقع، انتقال منابع از سوی افراد جامعه به سوی دولت است. پس تورم دقیقاً مثل مالیات عمل می‌کند، اما مالیاتی غیرمستقیم است، به همین جهت است که به این روش کسب درآمد مالیات تورمی گفته می‌شود. درآمدهای حاصل از مالیات تورمی با ایجاد انحرافات مالیاتی موجب توزیع نامناسب درآمد می‌شوند. جهت بررسی ارتباط درآمد مالیات تورمی و توزیع مناسب درآمد، با استفاده از مدل رگرسیونی به تخمین مدلی در این راستا پرداخته می‌شود.

معرفی متغیرهای مدل

متغیرهای مدل شامل ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته و درآمد مالیات تورمی و پرداخت‌های انتقالی و تغییرات پایه پولی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. متغیرهای مستقل با استناد به مقاله‌های زیر از عوامل مؤثر بر شاخص توزیع درآمد معرفی می‌شوند. درآمد مالیات تورمی که طبق تعریف فیشر نسبت تغییرات پایه پولی بر تولید ناخالص ملی به قیمت جاری معرفی می‌شود، به عنوان متغیر مستقل در تحقیقات صورت گرفته مشاهده نشده است. اما عوامل تأثیرگذار بر آن یعنی پایه پولی و تولید ناخالص ملی در مقاله سامتی و اقبالی با عنوان بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران به عنوان متغیرهای مستقل بر ضریب جینی در نظر گرفته شده‌اند.

در این مقاله به بررسی ارتباط درآمد مالیات تورمی و ضریب جینی به عنوان شاخص تعیین میزان نابرابری درآمد پرداخته می‌شود. در متون مربوط به مالیات تورمی، تعریف‌های مختلفی از این اصطلاح آمده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم: فریدمن^۱، در سال ۱۹۵۳، درآمد مالیات تورمی را برابر حاصل ضرب نرخ رشد پول در مقدار پول واقعی در دست مردم به دست آورد. استانلی فیشر^۲ در سال ۱۹۸۲ مالیات تورمی را به صورت نسبت تغییر در پایه پولی به محصول ناخالص ملی اسمی تعریف کرد. بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ مالیات تورمی را به صورت درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی تعریف نموده است. صندوق بین‌المللی پول، در سال ۱۹۹۲، مالیات تورمی را به عنوان درصدی از درآمدهای دولت و یا درصدی از مخارج دولت و یا به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی تعریف می‌نماید (اسماعیل‌نیا،

1. Fridman
2. Estanly Fisher

(۱۳۷۵).

در این مقاله مالیات تورمی بر اساس تعریف استانیلی فیشر محاسبه می‌شود. بدین ترتیب، درآمد دولت از چاپ پول به صورت درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$T = \frac{X}{GNP}$$

که در رابطه فوق:

T: درآمد دولت از چاپ پول

X: تغییر در پایه پولی

GNP: محصول ناخالص ملی اسمی

می‌باشد، که با استفاده از آمارهای سایت بانک مرکزی از پایه پولی و محصول ناخالص ملی اسمی، درآمد مالیات تورمی محاسبه می‌شود.

معرفی مدل

مدل ارائه شده در این مقاله به صورت زیر می‌باشد:

$$Gini = f(T, X, E)$$

Gini = شاخص توزیع درآمد که با روش جینی محاسبه شده است.

T = درآمد مالیات تورمی که با استفاده از تعریف فیشر به صورت نسبت تغییرات

پایه پولی به تولید ناخالص ملی اسمی محاسبه شده است.

X = تغییرات پایه پولی

E = پرداخت‌های انتقالی دولت

مدل موردنظر بیشتر بر اساس تأثیر درآمد مالیات تورمی بر توزیع درآمد طراحی شده است.

اکنون برای تعیین اثر درآمد مالیات تورمی بر ضریب جینی از مدل رگرسیونی

حداقل مجموع مربعات (OLS) به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$Gini = A.T^{*1}. X^{*2}. E^{*3}$$

حال اگر از دو طرف رابطه فوق لگاریتم طبیعی گرفته شود و جزء خطا به سمت

راست آن اضافه شود، الگوی فوق به صورت زیر در خواهد آمد:

$$\ln Gini = \ln A + \beta_1 \ln T + \beta_2 \ln X + \beta_3 \ln E + u$$

بررسی مدل برآورد شده درآمد مالیات تورمی و ضریب جینی:

داده‌های مورد استفاده در این تحقیق، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دوره

۸۷-۱۳۵۸ استخراج و برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، از نرم‌افزار Eviews

استفاده شده، که پس از انجام آزمون‌های مربوطه نتایج زیر به دست آمده است:

$$\ln Gini = -0/75 + 0.1\ln T - 0.13\ln X + 0.12\ln E + u$$

$$R^2=0/4 \quad DW=1/9 \quad F\text{-statistic}=6$$

در این معادله، Gini ضریب جینی و T درآمد مالیات تورمی است، $R^2=0/4$ که نشان می‌دهد 40 درصد از ضریب جینی توسط درآمدهای مالیاتی توضیح داده می‌شود و چنانکه معادله نشان می‌دهد، رابطه بین درآمد مالیات تورمی و ضریب جینی مثبت می‌باشد. نتایج حاصله از مدل بالا نشان می‌دهد که ۱ درصد افزایش پرداخت‌های انتقالی، به میزان ۱۲ درصد ضریب جینی را افزایش می‌دهد؛ یعنی منجر به نابرابری‌های درآمدی می‌شود که این امر نشان می‌دهد سیستم پرداخت‌های انتقالی در اجرای خود از کارایی لازم برخوردار نبوده است. همچنین ۱ درصد افزایش تغییرات پایه پولی به میزان ۱۳ درصد ضریب جینی را کاهش می‌دهد که این امر حاکی از حساس بودن نظام توزیع درآمدی بر نوسانات پایه پولی می‌باشد. ممکن است به دلیل پایدار نبودن افزایش پایه پولی نرخ تورم عکس‌العمل سریعی نسبت به آن انجام ندهد و افزایش نیابد که این امر منجر به نابرابری درآمدی نخواهد شد.

بر اساس ضریب تعیین معمولی R^2 ، متغیر مستقل مدل (درآمدهای مالیات تورمی) که متغیر مستقل هدف ما نیز بوده است توانسته است تغییرات شاخص توزیع درآمد را تا حدودی توضیح دهد. یعنی ۱ درصد افزایش آن، به میزان ۱۰ درصد ضریب جینی را افزایش می‌دهد که به معنای این است که دولت با استقراض از بانک مرکزی و گسترش نقدینگی و افزایش تورم بیشترین فشار را بر دهک‌های پایین درآمدی وارد می‌سازد که این امر فاصله دهک‌های بالا و پایین را بیشتر و نظام توزیعی درآمد را نابرابر می‌نماید. که این امر با مبانی روش‌شناسی توحیدی در اقتصاد منافات دارد.

نتایج به دست آمده متضمن این واقعیت می‌باشد که نه تنها مبانی اسلامی ناظر بر رفتارهای خرد عاملین اقتصادی می‌باشد، بلکه در سطح کلان نیز سیاست‌ها و عملکردهای دولت می‌توانند مورد ارزیابی اصول اسلامی قرار گیرند.

نتیجه گیری

توزیع درآمد و ثروت از پیدایش علم اقتصاد مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان از جمله آدام اسمیت واقع شده است که یکی از مهمترین وسایل دستیابی به آن استفاده از ابزار مالیاتی است. با وجود اینکه مالیات اصلی ترین منبع درآمد دولت‌ها است که می‌تواند به عنوان ابزاری برای تخصیص منابع و حصول به توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها نیز مطرح باشد، اما بسته به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد می‌تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد و از این حیث یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های اقتصاد می‌باشد، زیرا همزمان که می‌تواند به عنوان ابزاری جهت اصلاح نظام توزیع درآمد به کار آید، از سوی دیگر و در صورت عدم وضع بهینه نرخ‌های مالیاتی می‌تواند بار مالی مترتب بر این نظام ساختار تولید و مصرف را تغییر دهد. یکی از مهمترین موضوعات در نظام مالیاتی بحث بار مالیاتی یا تعلق مالیاتی است؛ بدین معنا که مالیات‌ها به گونه‌ای هدفگذاری شوند که مبالغ مالیاتی تنها توسط افراد هدف پرداخت شوند. لذا در بررسی کارایی نظام های مالیاتی هدفگذاری دقیق مالیاتی پیوسته یکی از مهمترین معیارها به حساب می‌آید. در این چارچوب در ارزیابی‌ها وضع هر نوع مالیاتی که بار آن به افرادی جز افراد هدف اصابت نماید، نوعی انحراف مالیاتی محسوب شده و نشانگر ضعف سیستم مالیاتی است.

در ادبیات اقتصادی صرف‌نظر از پرداخت‌های مستقیمی که تحت عنوان مالیات، عوارض و ... از عاملین اقتصادی دریافت می‌شود، از برخی رفتارهای دولت نیز که باعث می‌شوند قدرت خرید بخشی از افراد کاهش یابد نیز تعبیر به مالیات شده است که به صورت نمونه می‌توان به مالیات تورمی اشاره نمود. بدین صورت که دولت‌ها به جای اینکه مستقیماً از مردم مالیات و عوارض بگیرند، اقدام به انتشار پول کرده و کسری بودجه خود را از این طریق جبران می‌کنند. تأمین مالی این کسری‌ها با استقراض از بانک مرکزی از طریق چاپ پول و گسترش نقدینگی موجب ایجاد تورم می‌شود. تورم نیز از آنجا که باعث کاهش قدرت خرید می‌شود، به گونه‌ای شبیه به یک مالیات (عمومی) عمل می‌نماید که از آن به مالیات تورمی تعبیر می‌شود و بدین ترتیب در شرایط عدم تعادل‌های مالی دولت سبب نابرابری‌های درآمدی می‌شود. این موضوع در مطالعه حاضر در قالب یک الگوی (مدل) توزیع درآمد و عوامل موثر بر آن در ایران برای دوره ۸۷-۱۳۵۸ آزمون گردید.

نتایج حکایت از تأثیر منفی مالیات تورمی بر توزیع درآمد داشت. بدین صورت که دولت از مجرای افزایش شدید حجم پول باعث کاهش قدرت خرید شهروندان شده است و این امر با مبانی اقتصاد توحیدی منافات دارد. نتایج به دست آمده متضمن این واقعیت می‌باشد که روش شناسی اقتصاد توحیدی علاوه بر رفتارهای خرد عاملین اقتصادی، در سطح سیاست‌ها و عملکردهای کلان اقتصادی دولت نیز ملاحظات را مطرح می‌نماید.

فهرست منابع

- سامتی، مرتضی؛ مجید صامتی و غلامحسین جعفری (۱۳۸۴) عدم تعادل‌های مالی دولت و نرخ تورم در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز.
- ندری، کامران، وهاب قلیچ (۱۳۸۸) نقش حاکمیتی دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز.
- دل‌انگیزان، سهراب؛ کیومرث سهیلی و الهه خالویی (۱۳۹۰) تعیین حد آستانه‌ای سهم حق‌الضرب پول با در نظر گرفتن تأثیر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول، بهار.
- صدر، سیدکاظم (۱۳۸۱) اقتصاد صدر اسلام، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حمزه‌پور، صدر و کفائی (۱۳۸۱) بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۰، بهار.
- وطن‌پور، محمد، بررسی عوامل مؤثر بر مالیات تورمی و حق‌الضرب پول در اقتصاد ایران.
- امینی، اعظم (۱۳۸۴) مالیات در اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
- سامتی، مرتضی؛ آزاد خانزاری و مهدی یزدانی (۱۳۸۸) اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۶، شماره ۴، زمستان.
- مجله کارآفرین، بحران اقتصادی و سیاست پولی، شماره ۷۲، مهرماه ۱۳۸۸.
- اسماعیل‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۵) تعیین مالیات تورمی در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۳ و ۱۴.
- جرج‌زاده، علیرضا و علی‌رضا اقبالی (۱۳۸۴) بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، مرداد.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷) معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان.